

درین جریده از هر کوته علوم و وقایع سیاسی  
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود  
ازوزرا واعیان دولت بقدر  
معارف دوستی شان  
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی  
و معاونین و وقایع نگاران ( فخری )  
را یگان  
از عموم خریداران در داخله  
( ۱۲ ) روپیه کابلی در خارج  
نم پوند انگلیسی با مصوب پوسته  
از طلا و مصالح نصف قیمت  
شماهه  
داخله  
خارج  
( ۸ ) روپیه ( ۷ ) شانگ

# امان وحدت

۱۳۳۷

از اینای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش  
جریده برایش فرستاده میشود  
هر هفته یکبار نشر میشود  
او را یک درج نشود اعاده نمیشود

تاریخ شمسی ۱۲ حوت ۱۳۴۴ شعبان ( ۱۸ ) شعبان ( ۱۳۴۴ ) شعبان

قیمت یک شماره یک عباسی

( ۴ شبی ) تاریخ فری ( ۱۸ ) شعبان ( ۱۳۴۴ ) شعبان

بروز نهم حوت امسال که دوره هشتم اعلان استقلال و  
جلوس مسعود اعلیحضرت غازی است مراسم عید ملی در دربار  
مثل سالهای گذشته بعمل آمد ، بعلاوه پس از دربار ، از هر  
صنف مردم رعیت و شاگردان مکاتب دسته دسته محضور شاهانه  
برای تبریک مشرف گردیدند . بهریک از شاگردان مکاتب  
از حضور شاهانه یک یک امامیه عیدی داده شد . شب آینده  
آن روز فیروز بازارها از طرف اهالی آئینه بندان و چراغان  
شد . و شب بعدان کلیه مامورین واعیان وطن و سفرای خارج  
بدوقصر دلکشا دعوت شده بودند . طعامها . میوهها . شیرینیها  
صرف . سازها شنیده . مناظر قشنگ جراغهای الکتریک درین  
اقام گلها که تمام دیوارهای قصر را زینت داده بود دیده واز  
التفاتهای شیرینی و مرحتکارانه ذات ملو کانه لذتها گرفته شد .  
یکروز و دوشب با کمال خونی و سرور گذشت .

روز شنبه ( ۹ ) حوت که در سلامخانه قرار معمول دربار  
رسمی انعقاد یافت . از طرف ( ع . ج ) سرهنگی وزیر مختار  
دولت بهیه انگلیس که سمت سیخ السفرانی را داراست نطقی  
بزبان فرانسه ایراد گردید که ترجیه آن فر از ذیل است .

ترجمه نطق شیخ السفراء

با افتخار و وظیله مرغوبی است که در آن موقع سعید و میمون  
عید سالیانه جلوس با استقلال سمت نایمده گی عرض تبریکات  
احترامانه و سمعیانه حضور مبارک اعلیحضرت اقدس همیون  
منجانب هیئت رؤسای دیپلماتیک که در اینجا حضور دارند

اداره خانه

( ده افغانستان کابل )

سردیز

سید محمد قاسم

هدیه امور خیریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقایلات  
وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود

او را یک درج نشود اعاده نمیشود

## ( روزنهم حوت )

یا

عید جلوس با استقلال اعلیحضرت غازی

کلمه استقلال . آزادی و مترادفات مصطلح آن را از حث  
مفهوم طوریکه باید نمی توان تعریف و توصیف نمود . البته  
اینقدر می توان گفت که شیرین تر لذتی و بهتر تعنی و خوبتر راحی  
و بلندتر منزلتی ازین تصور نمی آید . اقوامیکه بدختانه بنا بر جهله  
یاست عنصری یاسوه اخراض رؤسا وزمامداران خویش بدام  
اسارت یا تحت الحایه گی یا سربر سی اجنی گرفتار آمده اند .  
روزیکه ازین دام هلاکت و قید ذات نجات یافته آن روز  
لختین روز در خشان تاریخی سعادت و حیات نانوی شان است .  
روز نهم حوت روزی است که دران روز فیروز نابغه افغان  
( اعلیحضرت امیر امان الله خان ) بر اریکه افغانستان جلوس نموده  
استقلال تامة افغانستان را به کافه جهانیان اعلان نمود . پس این  
روز نهم حوت . روز حیات جدید ملت افغان است . ازین روز  
که ابواب سعادت بر روی افغانستان کشاده شد . و چون وسیله  
این سعادت فرمان روانی ذات شاهانه بوده . جلوس میامن مانوس  
شان درین روز مسعود متوجه این نتیجه کبری گردیده یک عید  
نهیم ملی است که هر سال وسائل سرور و جشن و حوشی در تمام  
افغانستان بر روز مذکور تهیه میگردد .

بعده من واگذار نموده اند . تشویقات جدی اعلیحضرت که در راه امید و ارها برای بزرگ از برای هنر آئیه و علوجیات ملی و هر آنکه برای ترقی و تعالی ملت افغان فرموده شدمکن نیست احساس نخواهد .

علاقه مندی اعلیحضرت هایون به عده مفاد ملائكت است اجتهد اطلاع نایدیر کفایت اداری امور سلطنت برای افسای امیدوارهای فوق نیک ترین قل می باشد . اگر از خود مان عرض نمایم ماها بزرگ امیدوارهای مذکور فوق هستیم و بهای افتخار از جانب خودم و همتزاران محترم خود که در اینجا حضور دارند بمعنی مبارک اعلیحضرت میرسانم که برای تکمیل شغل نجیب از برای تامین خوش حال و سعادت و ترفع ملت افغان که بر دوش شاهانه خود گرفته اید برای اعلیحضرت هایون عمر طولانی سعادت و کامرانی سلطنت از خدای متعال نیاز میداریم .

انشاء الله مسامع خسته گی نایدیر اعلیحضرت از برای هنر حال ملت افغان در عوچ منتج بازدید محبت قابی و تصرکات شمیمی اتباع اعلیحضرت گردید بر کات آلمانی شامل حال جمه اقدامات هایونی باد .

### (جواب اعلیحضرت غازی) —

جانب شیخ السرا ازین بیانات دولتنه و احساسات صمیمانه شما که از طرف خود و همتزاران محترم خوش به مناسبت عید جلوس با استقلال مان اظهار نمودید امتنان می نمایم .

برای سعادت و ترقی ملک و ملت خود مان بخان کوشش ورزیده بدرجه آرزو های خود بر سامن و در عین زمان آرزو مندانم که افغانستان بادول و ممل متحابه خود داشا بحسن مناسبات دولتنه و هر گونه معاملات منافع آورانه ادامه خوش سلوک نماید قادر داشته جیات اجتماعی جلب توجه جمع شان گردد .

در حالت استحکام مناسبات دولتنه مملکت محظوظ خود را بدول متوجه مفخممه شما و همتزاران محترم شما آرزو داریم و به این اظهارات و تبریکات دولتنه شما و همتزاران محترم شما نکرار امنیت و مسرت می نمایم .

با این عید جلوس استقلال مانوس شاهانه نسبت به سالهای گذشته بسیار مطلع و بر خوش و خوش بود . از بازگاه ایزدی ادامه این حال سعادت مال را برای تمام افراد وطن عزیز به ساخت و سلامت وجود مسعود اعلیحضرت هایون نیاز می نمایم .

### • تطمیع انگلستان به المان •

انگلستان برای جلوگیری از خطرات مذهبیک از نازع او پاتر که در خصوص حل و تسویه مسئله موصول در ساحة قوه است و ممکن است در صورت برآمدن به فعل ، جنگ بزرگ جهان سوزی را تولید نماید ، کوشش دارد که جمع دول راهه تطمیع و تهدید طرفدار خود بازد ، چنانچه فرانس را به تهدید و اطاعه را به تطمیع طرفدار ساخته ، بالمان هم مساعدن های زیاد کرد ، آکنون به تازه گی طمعه دیگری به اونشان میدهد و آن شرکت ، کمپانی پترول المان ، با « کمپانی مل انگلیس » است . کمپانی اول الذکر که « جرمن پترو لیم کمپانی » است واداره آن تعلق به بنك المان دارد و قبل از جنک در امیازیل

موصل — حصه ازو بود . پس از جنگ این حصه هم به

تصرف کمپانی دوم « انگل پرشن آبل کمپانی » آمد و تالیف وقت

بنصر اوت . در موقع کنفرانس لوکارنو ، نایابه المان خواهش تجدید تصرف خود را بر حصة فوق از کمپانی انگلیس

نمود و وعده داد که اگر این خواهش المان قبول شود از طرف

المان در مصالح و سیاست انگلیس در عراق تولید مشکلان

نحوه دش و بین المان در قطعات مغرب آسیا سیاست انگلیس

را تایید خواهد نمود . در این روزها یک نماینده « جرمن پترو لیم کمپانی » وارد لندن گردیده و غرض او مقصد فوق الذکر است و غالباً که به مقصد خوش موفق بشود .

### • سیاست تازه •

(از جلد انتیم )

ظاهر است که امروزه سیاست مداران غرب دولتین فرانس و انگلیس اند بقول یک از سیاسیون اگر این دو دول باصفای

دل و خلوص نیت یا یکدیگر متوجه آید یعنی در باطن کوشش نکند یکدیگر را زمین زند باهر قریه در شرق و غرب مقابله

توانند نمود ، چه امروزه قوای بری فرانس مسلم و حیثیت

خری انگلستان هم لا کلام است . این دوقوت اگریک شوند هر مسئله مهی را از بین توانند برد . ولی چون بزرگترین

اصول در سیاست بدگمانی از حریف است از این رو نیت اند بدوسی یکدیگر اعتماد نموده و به بیشترانی هم کارهای عده

را از بین برداشند . ترك سلاح ( تحفیف اسلحه ) که مک از مسائل مهمی است که از جهل سال با نظر سیاسیون بزرگ را مشغول داشته دولت انگلیس میخواهد بدزیریه جامعه ملل از

یش برد و عده نقشه وی کم ساخته این قوای فرانسه است که امروزه تمام اروپا را متنزل داشته و در هر آن میتواند یک اقبال سیاسی بزرگ در غرب تولید نماید خواهش فرانس این بود که بدؤا باید دول از یکدیگر ضمانت نموده سپس مسئله ترك سلاح را پیش آرند ، ولو در جامعه ملل انگلستان فاتح آمد ولی باز هم برای جلب توجه فرانس بدوا قرارداد لوکارنو را مارچ منعقد خواهد گردید این تعویق کنفرانس رامست چپرین میگوید از طرف انگلستان نیست ولی هر چه باشد بمشوره انگلستان از طرف فرانس و ایطالی بوده است . اگر چه بیاری را عقیده اینست که کنفرانس ترك سلاح خیلی زود منحل شده مزید اختلافات دول شرقیه و غربیه را فراهم خواهد نمود ، چه انداد همه جمند وجاهیر رویه با آن نفعه های دور و دراز که ریخته نمک نیست ترك سلاح گوید . در حقیقت مسئله ترك سلاح باید در اروپا محدود ماند چه آسیا قرهانه سلاح گذاره وی درین کنفرانس پیشتر قوت خواهند داد که ملل آسیانی که تازه دران مکمه شامل آیند . عقیده دانایان آمریک هم اینست که مسئله ترك سلاح تا وقیکه مکمه حکمیت یعنی این ملی قوت نگیرد صورت نتواند بست .

آمریک اگرچه شمولیت در جامعه ملل را منظور نموده ولی فقط در مسئله ترك سلاح است و عقیده خود را از ایندا ظاهر داشته که در مسئله ترك سلاح بحری شامل نیست فقط در موضوع سلاح بری شامل است . روس را بین دعوت کرده اوهم منظور نموده است از طرف دیگر دولت انگلیس برای پشرفت مقاصد عده سیاسی رعایت بزرگ در موضوع قرضه ایطالی نموده و این مسئله را که ما به المقاومه بود . منفع داشت و فرانسیان را با این مسئله تکان سیاسی داده جرائد شان نگذشتند این گذشت کریمانه انگلستان مبنی بر یک پشرفت سیاسی است و حال که فرانس خیلی پیش از ایطالی حضر بادای قوش خود بود و انگلستان رضا نداد . جرائد انگلیسی مذویستند که قریب پانصد ملیون لیرا انگلستان تحفیف قرضه بایعالی داده است . مسلم است این گذشت بزرگ را دولت انگلیس بدون حصول یک منتفع عده سیاسی نموده است از طرف دیگر مجرد تصغیه قروض ایطالی که میتوان گفت اساس اتحاد بین دولتین انگلیس و ایطالی ریخته آمده مستر چپرین وزیر خارجه انگلستان پاریس رفته با مسیو بریان ملاق آمده در موضوع کلیه مسائل بحث کرده گویا تا یک درجه نصفیه کرده اند . آن مسائل راجع بمرا کو بالکان و سط آسیا شامات و مصر و غیره بوده است . گویا در این مسائل که تا درجه ما به التزاع بود اتحاد کرده اند .

( جلد انتیم )

اینچه تصور میکنند که چپرین ساعی است یک اتحاد مشتمل بین انگلستان و فرانس و ایطالی بر بسته سپس مسئله ترك سلاح را در جامعه ملل تعویق نخشد و نتایجی که در جلوگیری نهضت شرق مد نظر گرفته حاصل نمایند .

کنفرانس ترك سلاح قرار بود که در پانزدهم فروردی پیش آید ولی گویا بمناسبت تکمیل اتحاد فرانس و انگلیس و ایطالی در پانزدهم مارچ منعقد خواهد گردید این تعویق کنفرانس رامست چپرین میگوید از طرف انگلستان از طرف فرانس و ایطالی بوده است . اگرچه بیاری را عقیده اینست که کنفرانس ترك سلاح خیلی زود منحل شده مزید اختلافات دول شرقیه و غربیه را فراهم خواهد نمود ، چه انداد همه جمند وجاهیر رویه با آن نفعه های دور و دراز که ریخته نمک نیست ترك سلاح گوید . در حقیقت مسئله ترك سلاح باید در اروپا محدود ماند چه آسیا قرهانه سلاح گذاره وی درین کنفرانس پیشتر قوت خواهند داد که ملل آسیانی که تازه دران مکمه شامل آیند . عقیده دانایان آمریک هم اینست که مسئله ترك سلاح تا وقیکه مکمه حکمیت یعنی این ملی قوت نگیرد صورت نتواند بست .

آمریک اگرچه شمولیت در جامعه ملل را منظور نموده ولی فقط در مسئله ترك سلاح است و عقیده خود را از ایندا ظاهر داشته که در مسئله ترك سلاح بحری شامل نیست فقط در موضوع سلاح بری شامل است . روس را بین دعوت کرده اوهم منظور نموده است از طرف دیگر دولت انگلیس برای پشرفت مقاصد عده سیاسی رعایت بزرگ در موضوع قرضه ایطالی نموده و این مسئله را که ما به المقاومه بود . منفع داشت و فرانسیان را با این مسئله تکان سیاسی داده جرائد شان نگذشتند این گذشت کریمانه انگلستان مبنی بر یک پشرفت سیاسی است و حال که فرانس خیلی پیش از ایطالی حضر بادای قوش خود بود و انگلستان رضا نداد . جرائد انگلیسی مذویستند که قریب پانصد ملیون لیرا انگلستان تحفیف قرضه بایعالی داده است . مسلم است این گذشت بزرگ را دولت انگلیس بدون حصول یک منتفع عده سیاسی نموده است از طرف دیگر مجرد تصغیه قروض ایطالی که میتوان گفت اساس اتحاد بین دولتین انگلیس و ایطالی ریخته آمده مستر چپرین وزیر خارجه انگلستان پاریس رفته با مسیو بریان ملاق آمده در موضوع کلیه مسائل بحث کرده گویا تا یک درجه نصفیه کرده اند . آن مسائل راجع بمرا کو بالکان و سط آسیا شامات و مصر و غیره بوده است . گویا در این مسائل که تا درجه ما به التزاع بود اتحاد کرده اند .

خون تان اقدام نکند؛ واز خدا خواسته ام که این خون های حرارت ناک شما در راه خدا واعلام کلت الله رب مخلصند شود نه اینکه جهت زنگنهای جتل و مردار بذریعه شاخص و باکی جتل و مردار در روی کوچه و بازار خون های تان را بر زان.

بسیار خواهش داشتم تا شفاخانه شما ازان موضع که بین عمارت بوده آب و هوای فضای درستی ندارد بک موضع خوش آب و هوای درست تبدیل شود، اینک دولت سرای را برای شفاخانه دادم که درینجا باید و در آینده اگر امکان داشت یک شفاخانه بسیار اعلی برای شما خواهم ساخت.

از خدای خود خواسته ام که همیشه دروازه های شفاخانه تان بند و همه تان قربن صح و غافیت بوده خور سند باشد.

(معارف)

آدم در تفیش معارف، اولاد های شما را که عیناً اولاد خود میدان در مکاتب دیدم و تعلیمات آنها را حسب دخواه خوش یافته اکثر آنها علیحده علیحده در خانه های تعیین شان علاوه بران امتحاناتی که جناب علی محمد خان که یکی از رفقاء همسفر ماست گرفته بودند، امتحان گرفتم و باندازه از ذکاوت و زحمت کشی دانستگی آنها خورستند و مطمئن شدم که همین اولاد های شما یکروز سبب ترق قندهار و تمام افغانستان خواهد شد. از اعماماتی که برای طبله مکاتب اینجا داده ام البته که همه شما خبر خواهید داشت وهم از ملامتی و سرزنش من بدان اشخاصیک در فرستادن اطفال خویش به مکاتب سقی و درنک نموده اند، بی خبر نخواهید بود.

از خدمات صادقانه که مدیر صاحب معارف قندهار در امور عرفانی این ولا ابراز داشته است تشكیر دارم و بنا برین فعالیت و اظهار صدقی که ازوی در امور معارف شما بمشاهده ام پیوسته است نشان درجه دوم استور را برای او میدهم، همچنین ملا محمد جان خان سرمه علم و ملا عبدالحسین خان سرمه علم در اینجا وظایف محوله و خدمات عرفانیه اولادهای شما کار روانیهای خوب نموده اند.

خدمات آنها با عطای نشان درجه سوم استور تقديم میکنم و مشترق دیگر از عمامین اولادهای شما را که گرفتن نامهای شان بسب طوالت بیان میشود و در تعليم اطفال تان خدمت های درستی نموده اند تشویه سه ماهه شانرا به آنها بخشیدم! در مکاتب شما علاوه برین هفتاد طالب که فی الحال زیر تعليم میانند شش صد طالب دیگر را نیز منظوری دادم که در مکاتب داخل شده تعليم بگیرند.

دیگری هم نسبت به او شنیده ام اگر حقیقت داشته باشد ابتدا که گناه سخت است خیر در اینقدر مجلس بزرگ همین قدر سزا اگر عقل داشته باشد برایش مرگ است باید آینده چنین نکند.

یک خرابی دیگری که در امور طبیه قندهار بنظیر رسید اینست که هر کس نام خود را طبیب مانده جانهای شیرین شمارا که بنظرم بسیار عنیز و قدر دار و گران است، تلف میکند بنا برین یک نفر طبیب دانسته که دارای شهادت نامه باشد از کابل میفرستم تا باتفاق یک جمعیت کم من آنها را انتخاب خواهم کرد امتحان این نیم طبیب هارا که خطره جان شما ملت عنیز نم میباشدند، بگیرند اگر اهلیت و لیاقت علمی را داشتند همانا که شهادت نامهای خود هارا گرفته معالجه اهالی را خواهند کرد والا حتمی است که دکنهای خود را تخته نموده دیگر کار وغیره بی بینایند و ملت عنیز نم را دچار زحاجات نمایند، واگر آینده در قند هار بدون شهادت نامه کسی معالجه احتمی اقدام کرده بود ابتدا که بر طبق نظام نامه جزای عمومی مجازات خواهد دید.

یک جیز بسیار بد دیگری هم دیدم که روی کوچه ای باز ارها هر کس اشتسته بر روی و گلو و بیت و گردن و دست و پای اهالی شاخص شانده خون آنها را بدون تشخیص مرض و دانست فائد و ضرر آن همیکشد شما خبر ندارید که خونهای شما بالای من چقدر گران و قیمتدار است حتی میان خون خویش واز شما هیچ تفاوت نمی یابم، و علاوه بران شاخص و باکی و دیگر اسباب آنها که خون میکشدند باصول درست بالک و صاف و نظیف نمیشود و همان شاخص و پاکی نایا کی را که بدان خون یک مریض را کشیده اند بر دیگر مریض نیز استعمال می نمایند به این و سیله امراض ساریه و متعدی یکی بوجود دیگری نقل میگوییم را کشیده اند و هر روز در تعداد شان زیادت بنتظر می شفایخانه استغفار نموده که موجب مزید اترورسوخ و هر دفعه بزیزی در تب و چشم دردی و دانه و وریزش و دیگر امراض جاید به بگذارند، بهر صورت هیچ یک دلیل معقولی نسبت بقلت فرقی شفاخانه دیده نمیشود، بجز از سکه تریتیات و کاریوای مدر شفایخانه استغفار نموده تا اینکه نهاده شفایخانه شفایخانه میشود و هر روز در تعداد شان زیادت بنتظر میگوییم که هیچ غدر و خانگی در شفاخانه نمیدیدم برای اصلاح این خرابی ورفع این غلطی فقط بوقوف مدیر شفاخانه اگر همه جز های را که امروز آرزوی گفتن بشما دارم همچنین ایستاده بر ایستان بگویم، برای شما چون بسیار هستید تکلیف میشود، همه تان مهریان کرده بنشینید تا من هم بتابع شما بنشینم و برای تان بیان کنم، و بسیار خواهش داشتم تا امروز تضمیم را بزبان افغانی ایجاد میکردم اما چون وقت کم است و فعالی من آنقدر تیز نیست که بزودی شما را به مطلب خویش دلاندند بتوانم، وزیر صاحب داخله میان ما و شما وظیفه ترجیح را بجا میآورد،

در عوام این مثل مشهور است بپا کی که سر کل را بترانند بپاید سر دیگری را تراشید و الا آنهم کل میشود همینکه بواسطه باکی سر کل سر دیگری کل میشود، همچنین از شاخص و باکی که در بدن یک مریض استعمال میشود، حتماً همان مرض ساری و متعدی بوجود دیگری هم لاحق میشود.

و بواسطه یک ناجور یکم ناجور میشود؛ لهذا منع نمودم تا آینده بدون اجازه وهدایت داکتر احمدی بکشیدن

بعضور تقدیم نموده اند و خودم بعد از عمل آوری بر اوراق نقشیه آنها بالذات بمنامه ماموریت واداره رفته هر زید معلومات و نقشیان هر کدام آنها را گرفته ام.

نظر به این سلسه اولین اوراق نقشیه که بحضور و اصل گردیده کار طبیه بود که بواسطه کم بودن آن نسبت بدیگرها چا بکثر رسیده و من هم اولاً علم اوری و نقش امورات طبیه اینجا اقدام کردم.

(طبیه)

مدیر شفاخانه شما از کار نبود چنانچه که میشاید در این اولین وظائف خود اظهار فعالیت نموده است؛ در سال گذشته مرضها زیاده تر شفاخانه آمده معالجه شده اند و امسال شجای اینکه زیاده معالجه میشاند نمیتواند اند. اگرچه در موقع

استفسار آنها استغفار جواب دادند که پارسال بواسطه افتتاح شفاخانه پیشتر فرقی دوا میبرند و امسال چون اکثریه بحق دارند مکن دوا گرفته اند لکن بین جواب نباید یقین کرد زیرا پارسال بواسطه افتتاح شفاخانه و ابتداء کار ممکن است مکن فرقی از این اطلاع و خبر داشته برای علاج آمده باشد و امسال چون

عموم از شفاخانه و طرز معالجه آن اطلاع یافته اند می بایست نه تنها از شهر بلکه از اطراف و جوانب هم یکی بعد دیگری برای علاج حاضر شده یوماً فیما در تعداد شان زیادت بنتظر می آمد و غالباً امراض این ممکن است کثیریه امراض موسمی است که بالانه در موقع گرمی هر کی نوت خود را حتمی است

در تب و چشم دردی و دانه و وریزش و دیگر امراض جاید به بگذارند، هر صورت هیچ یک دلیل معقولی نسبت بقلت فرقی شفاخانه دیده نمیشود، بجز از سکه تریتیات و کاریوای مدر شفایخانه استغفار نموده که موجب مزید اترورسوخ و هر دفعه بزیزی

برین دیگر اغلاظ جزوی نیز در شفاخانه تان بنتظام رسید که بیان نمودن آن بسیار وقت را میگیرد لیکن برای تسلی شما اینقدر میگویم که هیچ غدر و خانگی در شفاخانه نمیدیدم برای اصلاح این خرابی ورفع این غلطی فقط بوقوف مدیر شفاخانه اگر شفایخانه نموده باشند و ذات شاهانه نیز بر جوک

خسروانه خویش اخذ موقع نموده و باز بر نعلق خویش دوام وریزیدند) میخواهم امروز از تأثیر تقدیش مامورین اینجا بر ایستان معلومات بدhem و صورت این معلومات قرار هان ترتیب و ترتیب است که حضرات مقاثین لاجه های نقشیه خود را یکی بعد دیگری

## \* نقطه اعلیحضرت معظم غازی \*

(بروز در بار عمومی در قندهار)

(به مناسبت مکافات و مجازات مامورین)

(که روز شنبه (۲۲) عقرب بود)

نطیق آن در برندۀ غرب سالمخانه قبدهار در حالتیک پیشتر از ده هزار نفر ملکی جانب دست چپ و سه فرقۀ نظامی طرف

دست راست شاهانه در چون مقابل ایستاده و هموم مامورین واعزره قندهار به یعنی ویسار شاهانه در برندۀ بالای چوکیها اخذ

موقع نموده بودند ایجاد شده است؛ در این روز کسایک در خور مکافات و مجازات بودند رو بروی محل جلوس خسروانه

جداشته اشخاص نیکو کار روی چوکیها خویش نشته و اشخاصیک زیر مجازات بودند بعیا ایستاده بودند در موقع اعطای

شان و اظهار نمودن، هر شخصی از محل خسود بیا ایستاده بحضور شاهانه حاضر شده از دست حق پرست ملوکه نشان

برینه های صداقت دینه آنان نصب میشد، و کسانیک در خور مجازات می بودند بعد از اظهار جرم والزم آنها توسط

عسکری که بنوکری حضور موظف بودند از مجلس کشیده میشند ذات شاهانه: — قوم عنیز نم، شما جوکر هستید ایستاده

بنجیر است. (عموم سلامت باشید سایه همایه شاهانه از سر ماک نشود) اولاد عنیز نم عسکر مزاج شما خوب است

(عموم سلامت باشید)

اگر همه جز های را که امروز آرزوی گفتن بشما دارم

همچنین ایستاده بر ایستان بگویم، برای شما چون بسیار هستید تکلیف میشود، همه تان مهریان کرده بنشینید تا من هم بتابع

شمابنیم و برای تان بیان کنم، و بسیار خواهش داشتم تا امروز

تضیم را بزبان افغانی ایجاد میکردم اما چون وقت کم است و

فعالی من آنقدر تیز نیست که بزودی شما را به مطلب خویش

دلاندند بتوانم. وزیر صاحب داخله میان ما و شما وظیفه ترجیح را بجا میآورد،

(درینجا عموم حصار نشسته و ذات شاهانه نیز بر جوک

خسروانه خویش اخذ موقع نموده و باز بر نعلق خویش دوام وریزیدند)

میخواهم امروز از تأثیر تقدیش مامورین اینجا بر ایستان

معلومات بدhem و صورت این معلومات قرار هان ترتیب و ترتیب است که حضرات مقاثین لاجه های نقشیه خود را یکی بعد دیگری

(عدلیه)

بس از کارهای تجارت عدلیه شما را دیدم عبدالرحیم خان قوماندان سابق کوتولی قندهار را همه شما میشناسید از غفلت و چشم پوشی و پسکارکی او در رشتة امنیت آنچه سنتی و خزانی بوقوع پیوسته بود، علاوه برین دیگر کارهای ناشایسته نیز از روی سرزده است که بیان آن موجب طوال سخن وزحم شما می شود، لهذا بقابل امر دادم که او را الی ده سال حبس، کشته ازین احکام چون (۸) روز گذشته ممکن است که حال بندی شده باشد.

محمد اکبر خان قوماندان موجوده کوتولی شما هم جانبه می شاید در امنیت و انصباط ملکت تان زحمی را بر خود نگرفته است زیرا به موقعیه خود وارد قندهار شدم داد و فنا اهالی از دست دزدی و دهاره بازی اشترار باند بود، اما به مجردیه به تعییل آن مواد و قوانین که نظمات دولت متوجه شعادر باره گرفتاری اشترار و اشخاص فساد پیشه مقرر است، پرداخته شد دیدید که در ظرف چند روز دزد واه فساد برای نام هم باقی نماند و در تمام قندهار امن و امان قائم گشت. گمان نکنید که این اجرا آن مخصوص به من است نی! همین کار روانی و اجرا آن در حیله اختیارات قوماندانی کوتولی بوده از روی همین مورد و قوانین هر قوماندان بخوبی میتواند که بدستگیری و گرفتاری اشترار منطقه خود بخوبی کامیاب شود و اگر از جدیت و فعالیت خود کار بگیرد برای نام یک نفر دزد و شریر این طور باقی نماند که گرفتار نشود. اگر به مرار دزد فقط معامله شرعی کرده شود و بخواهد که بواسطه شاهد دزدی او را ثبوت کنید این امر نهایت مشکل است زیرا در موقعیه دو نفر شاهد و صاحب خانه موجود باشد چطور دزد می تواند که در دزدی خود کامیاب شود - و اگر قسم خوردن و سوکنند نمودن اشترار اهمیت بدھیم معلوم است که خود هارا خود بازی داده ایم زیرا اشخاصیک برخلاف او امر هان خدا و قرآن = بران قسم می خورند، رفتار می کشند، پس از خوردن سوکند آن چطور خود داری خواهد کرد.

برای رفع این اشکال قوانین موجوده حکومت تان قران و امارات را مدار حکم قرار داده امر کرده است که محکم عدلیه در باره اشترار و اشخاص مشهور بالفساد از قران و امارات و سجل اهالی و دیگر ذرائع لازمه کار بگیرد و هر ذریعه که ممکن باشد در مجازات آن ها بکوشد، و اگر الزام شان در محکمه عدلیه ممکن

خبر تا حال چون واقع نبودند لحظه شان را می کشم اگر آینه اینطور حرکتی ازاوشان ملاحظه گردید البته که ازانها باز خواست خواهد شد.

از مدیر رزراعت بمخابراتی ندیده ام البته از ملاحظه کارهای او اندک سنتی او بنظرم معلوم شد اگرچه تا حال در قندهار نه کدام نهری کشیده شده و نه بکدام معدنی کار انداخته شده است که ازان حقیقته فعالیت و جزاري او معلوم می شد ولی بهر تقدیر اوزار فقط ازین خدمت سبکدوش میکنم و به او وعده میدهم که بعد ازینکه خوب تر تر پیغام را که در خور است پول آن را منظوري می دهم که ساخته شود.

محصول بعض اشیاء را تا یک درجه بسیار برای مراعات و خاطر خواهی شما تخفیف دادم حق در بادام و بشم تقریباً مناصف آن را باشد مقرر میکنم.

برای این دشتهای خشک و تفیده که باطراف و جوانب نهاره کشیده و بجز از خار و خس دیگر محصولاتی را برای صورتی شما تجارت به فرج از زان مال خربزداری میکند درین صورت مال شما زیاده تو خانه تان باقی میماند، و در موقعیه و سرتاسر این میدانهای ریگار را برای تان گلزار بسازم، لیکن فکرم در موضوع آبیاری این دشتهای چنان است که اول در صدد آبیاری آن حصص برایم که بزرگ شهر تان مانند کان طلاه و جوانب میدان طیاره نزدیک است. زیرا اگر دشتهای دور دست را آباد کنم اول کدام یکی از شما در آنجا خواهد رفت و باز سرنشته بازو و غیره لوازم آزاد چطور خواهد کرد و باز محصولاتیک ازان مانند باد نجان و دیگر ترکاری ها بعمل می آید بکجا بصرف خواهد رسید؟

می خواهم که یک نفر مهندس را از کابل بفرستم و به او بدان نام که اولاً بکوئت که سرنشت آبیاری این دشتهای نزدیک شهر شما را از دریانی از غنداب بناهید، و اگر آوردن آب دریانی از غنداب امکان نیز بود البته کاریزهای درستی را برای سر سبزی این سرزمین خواهم کشید. اگر آب کاریزهای مساعده نکرد، همان یک یاره مائین آب کشی را که بذریعه باد گردش میکند خواهم آورد و بامانیک دران خار و خس سوخته بحرکت می آید برای تان تیره خواهم کرد. یقین دارم که ضرور درین

آرزوهای میگذارم که نسبت آبادی این دشتهای اطراف و جوانب شهر شما دائم کامیاب خواهم بود. و اگر خدا نخواسته ناکام ماندم و یا آب ببراید و یا دیگر موانع در راه پیشرفت این آرزوهای من عائد شود، ملامتی آن بر من نخواهد بود. بهر تقدیر بسیار آرزو دارم بهر ذریعه ممکن که باشد این دشتهای وسیع و بیان ممکن تان را آباد نمایم.

تقدیر میکنم.

البته این خدمت را نه تها مدیر گمرک نموده بلکه سرکار تبا و نیز درین خدمت باوی مساعدت و معاونت کرده است لهذا بسرکار گمرک قندهار نیز نشان حسن خدمت را میدهم. بعضی از تاجرها می گفتند که جای گمرک قندهار دور است بعد از ملاحظه ام معلوم شد که آن اظهار آنها بر غلط بوده حقیقته محل موجوده گمرک بسیار خوب و بشیرین نزدیک است البته بعض ترمیم را که در خور است پول آن را منظوري می دهم که ساخته شود.

محصول بعض اشیاء را تا یک درجه بسیار برای مراعات و خاطر

خواهی شما تخفیف دادم حق در بادام و بشم تقریباً مناصف آن را به قطب برای تجارت بلکه برای شما بخشم زیرادر صورتیکه محصول بلند باشد تاجر به فرج از زان مال خربزداری میکند درین صورت مال شما زیاده تو خانه تان باقی میماند، و در موقعیه محصول کمتر باشد معلوم است که تاجر پیشتر بخریداری اموال تان برداده و منعنه آن طبعاً برای شما میماند، منصف های گمرک را چون از زمان در ازیزی در گمرک مانده اند مناسب است ازین کار موقوف کردماز بعض اطلاعات خوبی که برایم رسیده معلوم شده بود که بعض تجارت برای بزرگ داران پول می دهند، چون علاوه این مسئله را از تجارت برسان کردم، گفتند در بعض جایها برضاء و رغبت خوش برای بزرگ دارها از یک قران الى یکرویه بطور بخشش میدهیم، بعد ازین امر میکنم هر گز برای کسی چزی ندهند، اگر خبرات دادن مدعای شما باشد برای پیاده های بلکه در خرقه شریه رفته برای فقراء و ماسکین بدند. اگر آینده داده بودند و بحکومت اطلاع این امر رسید ازو شان باز خواست کرده خواهد شد، زیرا خوده مرتباً مسارات را نی و مرتشی را یک برای میدانه و طور یک از ملکهورین در موقع ظاهر شدن رشوت خوری شان باز پرس می کنم همچنان از اهالی نیز در جین ظاهر گشتن رشوت دهی آنها باز خواست می کنم.

شما این یک قران یا یک رویه را که به پیاده ها میدادید هر چه می خواهید بگویند، لکن خودم ضرور دادن این پول را بای مطلب نیدانم و حکماً رشوت بران نام می نہم، زیرا این قدر یک مغلب ضرور در اعطای آن تجارت شما خواهد داشت که باز او را نسبت به دیگران اولتر بگذراند که از دروازه پرون کند؛ گویا درین صورت از هادن این پول بزرگ رفیق خود نظم کرده است.

باز تکرار آیشما تا کید و توصیه میکنم چیزیک در دین و دنیا برای شما فایده میسازد و شما را از مذلت و خواری دینی و دنیوی نجات میبخشد همین معارف است وس . هر قدر شوق و ذوق و محبت تائزرا که نسبت بمعارف اطمینان کنید باز هم کم است . امید بخداوند دارم که سبب ترقی و نجات علم اسلام و افغانستان باشد و سبب اتحاد و اتفاق ترق افغانستان همین اولاد های اشما که زیر تعلیم میباشند خواهد بود .

در مکتب اهل هنود یک غلطی دیدم که ازان بر مدیر معارف هیچ اعتراضی نمی آید، زیرا که در پروگرام مکتب نیز داخل هبود و آن اینست که در ساعتی که اهل اسلام دینیات و امور مذهبی خود را تعلیم میگیرند باید طلب هندو دینیات خود شان را تعلیم بگیرند بعد ازین باید که اهل هنود در ساعت دینیات امور مذهبی خود را تعلیم و (گرن) خود را بخوانند.

غلمانی دیگری که در آنیه موجب تفرقه و جدای شما خدا ناخواسته خواهد شد واکنون شما آنرا حس کرده نمی توانید جدا بودن مکتب فارسی زبانها و مکتب تجارت است، پس ازین باید مکتاب قندهار به این نامه باید کرده نشوند و عموم مکاتب را بنام مکاتب ابدیانه یادکنید تا جمل مالاین همه مکاتب را بایک نظر میدیدم و هیچ یک ترقی و امتیاز بیک را بر دیگری نداده ایم پس ازین نیز تمام طبله بیک نظر دیدم میشوند باید تمام طبله یک وضع برادرانه و طریق محبت کارانه بزرگ مکتبی که نزدیک خانهای شان باشد رفته اخذ تعلیم نمایند. البته درین صورت این تعلیم علاوه بر دیگر مفاد دینی و دنیوی که باولاد های شما عائد میکند سبب اتحاد و اتفاق عموم اهالی قندهار خواهد شد.

علاوه بر جایهای موجوده که طبله داران تعلیم میگیرند، جن که فی الحال نائب احکومه صاحب دران کار میگند و مقامیک دران علیا حضرت صاحب نشیمن دارد نیز برای تعلیم طبله که درین روز هادا خل مکاتب شده اند و با بعد ازین داخل شوند مخصوص شد. این سمت آنکه رشوت برای علیا حضرت صاحب را برای مکتب رشته که آنها تأسیس خواهد شد موزون است .

(تجارت)

مدیر گمرک شما خوب خدمت کرده و تمام معاملات خود را بر طبق تفاصیله اجراداشته یک پیسه باقی محصول را که وجهیت الملا است بالای تجارت نگذاشته و تمام حساب خود را قرار مسراسته بدقتر و بول گمرک را قاعد تا تحويل خزینه داشته وواردات او نسبت به گذشته افزون بحضور آمده خیانی از روی ندیدم، لهذا این خدمت امانت سکارانه اورا باعطای شان اول استور

کدنی را هم بواسطه یک فیصله غلط او که خودم بیشتر خود آن را ملاحظه کرده ام از قضا عزل کردم. چون محمد احترام بسیار دارد و لذت جای باعث نظر است جای آن را در خود ارک معین کرده و مردادم که شکه های شرعیه را در اینجا پیاومند

— مالیه —

مالیات شمارا بخاطر داری و آیش شما یک تخفیف درست دادم درین مواد حاجت گفار بسیار ندارد ازین مبحث ما و شما بروز جرگه فراغت یافته ایم. مسئله که فی الحال قابل یاد آوری است همانا پول سرانه است که سابق برین از برادران شما غایجانی های قند هار گرفته می شد چون من درانی و غایجانی را یک نظر می بین و همه را مانند اولاد خود پنداشته قوم خود میگویم پول سرانه غایجانی های قند هار را سراز امروز نخشیدم.

باز میگویم که مالیات خود را بعد ازین غم نگویند بلکه ندادن آن را می باید غم نگویند که از یک طرف دولت شما مقام متبرک برای اشرار و مجرمین پناه گاه شده نمیتواند « زیرا خدا نخواسته کم قوت میشود و از جانب دیگر شما به زد حکومت خویش در صورت ندادن آن خجالت زده میشود و دوچار کش و گیر محصل میگردید.

در تحصیل باقیات این طومار درازی که بران مهرها و امضاهای بسیاری از شما است بحضور رئیسه است کشما باقیات دیگران را بر مالیات خود ریزش و قبول دار شده اید. خودم بقین نمی کنم که شما اینجین بازی خورده باشید و در امداد و معافونت کسانیکه از سال های دراز خون شمارا خورده اند از دل کوشیده باشید بلکه همین از باب غرض و فرقی باقیات ده خود شان اولاً یکی بر طومار دیگری بخواهی « من ترا حاجی بگویم تو مرا حاجی بگو، مهر و باعضا به منفعت خودها نموده شما هم بمتابع آنها بدون ازینکه مضرت آن را می سنجیده اید مهر و اضاء نموده اید خودم این قبول را منظور نمیکنم و نه به این طومار اهمیت می دهم و نمیخواهم که باریکی را بر دیگری بیندازم چون من وکیل و خیر خواه شما هستم درین قبول باقیات باوجود دیگر شما قبول دار شده اید من خیر شما را نمی بینم، لهذا اورا مقدور نکرده بحضور تان این طومار را پاره پاره کرده ضرور این مبلغ را از همان اشخاصی که از یک طرف خون شما ملت عزیزیم را خورده اند و از طرف دیگر پول یت المآل را حیف و میل کرده اند می سئام، نمی خوردند

اگر کسی بعد ازین بخرقه شریف بعد از ارتکاب کدام جنایت رفته بود ضرور اورا دستگیر میکیم و بطور عادلانه اهرجه که شرع شریف بران حکم کند اورا مجازات می دهم البته که اگر کسی در موقع خواست پول و یسه خودم و یاد ر دیگری معاملات شخصی من بخرقه شریفه بناء گزین شود من اینجین اشخاص را فی الحال می بخشم و نمیخواهم که بخرقه مبارکه را باین عظمت و بزرگی که دارد در همچه معا ملات جزوی بناء گاه خود قرار دهد. البته حق شما و حق خدارا گاهی نمیتوانم که بواسطه بخرقه مطهره برای اینجین اشخاص بی و جدان که ( خدا و رسول ) ازین حرکات آنها ازوشان آزده است به بخشم و بیاز مجازات آن صرف نظر کنم نی ضرور اورا نمی بدم میکنم و همان معا مله را بتوشان کردن هستم که صاحب همین بخرقه مطهره در برابر آنها فرموده باشد. اگر ملاها بعد ازین اشرار را در انجاجای داده بودند البته که جزای آن را سخت خواهند دید.

امر دادم که بدروازه بخرقه شریفه بخط جلی بنویسند که « این آن در مقاصد نا باکش بعقب بشانید ، نه اینکه اشرار ناپاک و خیانت کاران خونخواری را دروان پسندیدند که روز در آنها ملکی این شل جای توبه واستغفار و تبرک است والله رفتان اشخاصیکه خلاف امر ( خدا و رسول ) را کرده باشند بخرقه شریف یک نوع هنک هرمت و شرافت آن موضع متبرک بوده و یک رقم دیده دلیری است .

چون جای قوماندانی کوتولی شما خوب بود برای او مقامی را که بی حکم و مشهور است دادم و بدایخواه اورا تبدیل کردم! قاضی مرافقه شمار چون در ایقاع و ظایف خود غفات و در فیصله دعاوی سنتی و مهبات نموده بود و بیک جی که خود یک شخص قاضی باشد تباید که وصی شود او خود را وصی هم مقرر داشته بود و در بعض دعوی و فیصله ها برای شهدا و مدعا را هنمان میکرد و به آنها دلائل را نشان می داد و علاوه بران نه تنها بازدید و دهار و اهل فاد سرو کارداشت بلکه بعض اشرار نیز با خود نگه میداشت و یک زمین دولت را نیز بگعن فاحش برای خود خریداری کرده و شهش هزار رویه حکومت را گرفته حیف و میل نموده است — از قضا موقوف کردم و زمین اورا وسیع شد و بخواهی این حضرت بیوی راهم شریعت مامن و ماجای اشرار . قرار نداده است و در همان مقامات متبرکه هم باز خواست حدود الله و حقوق العباد می شود پس من چطور عمارت آن بخرقه بیوی را که صاحب آن بخرقه بین امر اقامه حد و دامنه و اعطای حقوق العباد را داده است بناء گاه اشرار

مل محمد عثمانخان قضی ساقبه ابتدای شمارا بهب غفاری که در کار خود کرده بود ( ۱۵ ) روز جس کردم ؛ قاضی

در موقعیکه بقد هار آمد ضرور آن قاتل های بد بخنی را که مرتکب خون ناچق شده بودند و از خوف باز خواست حکومت در بخرقه شریف بناء برده بودند اگر در بخرقه میبودند میکشتم ، فرار کرده اند .

از برای خدا این چهارین و آین است که بخرقه شریفه بیو را بخای اینکه مقام صالحین و پرهیز گاران قرار دهن و دران عبادت کنند و بنام آن برای اعشه و زندگان فقراء و مساکین و ایتم خوش چند جمع آوری کنند و آن مقام را وسیله مغفرت و مرحمت خداوندی تصور کنند جای خونی و زانی و دزد و فساد پنه و اشرار قرار همی دهند .

می باید که بحرمت این بخرقه مطهره ازین حود فاق و کینه و حسد را دور کنید و باهم دیگر بشرف آن دست اخون و محبت را دواز کنید و در اوقات محاربه این بخرقه باکیزه را باعلم مبارک کشیده بیک جوش و خروش اسلامیانه جانهای تان را در حفاظت و عنزت و شرافت آن فدا کنید و دشمن را بوسیله آن در مقاصد نا باکش بعقب بشانید ، نه اینکه اشرار ناپاک و خیانت کاران خونخواری را دروان پسندیدند که روز در آنها ملکی خانید و بشیب آمد و بخان و مال و ناموس ملت عزیز تان و خلیفة پلکی را ایهان نمایند .

همین بخی خان ملعون را که بکفر که دارش رسائید همه شما خبردارید که بعد از ارتکاب عملیات سنگین و کار روایی های خوبین بخرقه شریف بناء گزین شده همینکه موقع را مساعد دانست که حلا کسی غر شدار و مزاحم او نمی شود از بخرقه مبارکه برآمده شروع بکارهای کرد که حاجت بیان راندارد . خوب است اگر حالا من ملاهای بخرقه شریف را عکم گرفته پرسم بتعجب کدام دلیل اولاً بخی خان را بخرقه شریف گرفت و باز چرا اورا گذاشتند که برآمده چه خواهند گفت ؟

خیز ! چون این بست بخرقه شریف خلاف شریعت بود موجعبات نا آرامی و اخلاق امنیت شمارا تولید می کرد من هم اورا قرار حکم ( خدا و رسول ) ناروا پنداشته موقوف کردم زیرا که خود خانه کعبه و خواهگاه حضرت بیوی راهم شریعت مامن و ماجای اشرار . قرار نداده است و در همان مقامات متبرکه هم باز خواست حدود الله و حقوق العباد می شود پس من چطور عمارت آن بخرقه بیوی را که صاحب آن بخرقه بین امر اقامه شریعه گکی می باشد بسیار مقدس و متبرک است بناء گاه اشرار هر وقیکا فرست می باشد باز ازان جا فرار می کردد چنانچه

نبود وزیر حکم شرعی آمده تی توانستند بینظور اشرار بد کردار را حکومت برای مجالس مشوره نائب الحکومه گی ها و حکام داده است که آن ها سیاست ادار مجازات اشرار بکوشند و اگر قرائی و امارات موجود ببود در باره خوبی و خرابی این طور اشخاص مظلوم از اهالی قریه او سجل خط شرعی بخواهند اگر عموم بیدی او اقرار کرده قتل و اگر مناسفه با نک و یا کثر بودند از جس دوام گرفته تا ادنی ترین مراتب تعزیر را در باره او اجرادارند ! آیا در صورتیکه تعقیب این اصول کرده شود ممکن است که دزد و فساد پیش سر خود را بالا کرده بتواند و یادربی اذیت اهالی و اخلاق امنیت ملکی پردازد . پریشانی که در قدهار از دست اشرار ملاحظه شده بود تماماً بواسطه عدم تعیل این اصول بود .

اگر قوماندان شما مدت زیادی در قدهار آمده کار کرده می بود همچنان که عبدالرحیم خان را سزا دادم از وی نیز بازخواست میکردم اما چون محمد اکبر خان از مدت بسیار کم وارد قدهار شده و تا حال توانسته است که همان خوبی های سابق را درست میکرد و چنانچه می بیست زمام اداره کار را بدست خود میگرفت فقط اورا یک گوش تاب خفیقی داده رتبه او را که غند مشتر نانی است بکنندکشی تزییل میدهم و برای او در آنیه موقع و میدان میدهم کار روایی خوب کرده مراتب علیاه ور ضای صرا دریابد والا اگر بازشندم که دزدی و دهاره بازی از قدهار موقوف نشده است ایهه که اورا سزای سخت خواهند داد .

( خطاب به محمد اکبر خان قوماندان کوتولی که بحضور شاهانه در مرتبه تختان میدان برندۀ سلام خانه ایستاده بود ) ستاره مخن خود را خودت بکش و برو بخای اولین خوبینشین سر کاتب قوماندان کوتولی را موقوف میکنم زیرا خوبی که در خدمت گذرگ شرکات او شریک بود همچنین در خوبی کارهای قوماندانی سر کاتب او را نیز شامل و داخل می دانم . مدیر توقیف خانه قدهار را نیز بواسطه بعض کارهای خوبی که کرده بودوبیان آن وقت بسیاری را بکار دارد ( ه ) سال محبوس نمودم .

یک علت بزرگ دزدی و آدم کشی و دیگر مجرمات شرعی را در قدهار این امر دیدم که ظلمان و جنایت کاران بخرقه شریعه گکی می باشد بسیار مقدس و متبرک است بناء گاه اشرار هر وقیکا فرست می باشد باز ازان جا فرار می کردد چنانچه

# جواز خارجی

## (انگلستان)

مستر بیری وزیر مستعمرات انگلستان در طی اتفاق خود در شهر لیدز اطهار داشت که ممالک نرق و سلطی اهمیت فوق العاده اقتصادی و دلچسپی داشت و بایسی همان اهمیت را که صدھا سال پیشتر دارا بود دوباره حاصل کرد. ۱ گرجه ابن مالک جزو امپراتوری برطانیه بود مگر باز هم تحت قبود و اقتدار برطانیه در آمد. برطانیه نمی تواند از مصر برای دو محصول بالستی به حقوق و اعتبارات امپراتوری برطانیه نظر داشته در مقابل آن سراطاطع و تسلیم خم کند زیرا برطانیه در مصر امنیت تامه بر قرار داشته و در سودان رتبه بلندی دارد، و بیزان نمود که ما با وجود اینکه از ارادات و عقائد جنگ بسیار دور هستیم مگر باز هم انتظامات تازه راجع به عراق زمینه دوستی آئیه ما و ترکیه را حاضر ساخته و ما با ترکیه هیچ تقاضی نداشته خواهش داریم تا ابدالدھر به راه دوستی و محبت با ایشان قدم بزیم. این راه هم مستر ایری گفت که عراق حالا بد رجۀ رسیده است که میتواند به جای خود استاده خود را محکم کند و هیچ نمی تواند حالا مانع ترقیات آن بشود. فقط جیزیکه عراق میخواهد امنیتست که برای آئیه خوش به آن بسیار احتیاج دارد. عراقیها حالا از حکومت برطانیه می پرسند که آیا تا آخر سن (۱۹۲۸ م) چه خواهد کرد. آیا برطانیه همکلت ایشان را بدون آن که در آئیه دوستی با آن داشته باشد گذاشده میروند و با اینکه عراق فدری امنیت خواهد داد.

## (ایران)

مجلس بیک لانجه در خصوص کشیدن راه آهن تصویب کرد و (۶۰۰۰) پوند برای پیمایش و معاینه راه آهن که در ایران کشیده خواهد شد منظور نموده است و بیک لانجه دیگری را تصویب نموده که بوجوب آن برای ساختن راه آفریان را تامیر خود عراق متصل به (راوندوز) که به موصل قریب می شود قرضه گذاشته و بیان ترتیب ایران می تواند از علاوه های شغالی خود بدون اینکه محتاج به راه روس باشد تجارت خود را جاری بدارد.

بعضی از مانند شما در دام فریب همین خانه ها آمدند باقیات آن هارا بر مالیات خویش ریزش نموده عرصه این قبولی خود را بحضور تمدید نمودند لکن من دانستم که آن ها هم مانند شما درین تمدید کردند اند زیرا که هر کدام ازان اشخاص قبولی خودها گل خورده اند زیرا که هر کدام ازان اشخاص باقیات ده که پول ذمہ کی خودها را بکر و فریب باز بالای رعیت حواله دادند از نزوات هان ملت و از خاناتیکه بعد از نموده اند حواله دادند از نزوات هان ملت و از خاناتیکه بعد از نموده اند صاحب زمین و ملک و هیچ می باشد، آن عربی شان را منظور نگردند و گفتم که گاهی راضی نمی شوم که باز ظلم و خیانت بکی را بر گردند دیگری بیندازم بلکه حکماً از خود هان اشخاص باقیات ده این نیمه را بهر صورتیکه باشد حصول میکنم و تادم مرگ شان از آنها دست بردار نمی شوم!

مستوفی صاحب قدهار درین قدر بیک مدت کم خدمات خوبی نموده اند بسیار افسوس می کنم اگر خودم چند روز بس بقدهار می آدم تامنی توافق نشان نمایم که برای هیئت اداری حکومی خوب و اجرآت مرغوب خویش از دستم نشان تقدیر خدمات خود را بگرفت. حالا ازین اساس خوب و کارروانی ابتدائی شان که در امور حسابیه اینجا درین مدت اندک نموده اند اطهار نشکر می کنم و آرزو مندم که کارهای شان را خداوند تا آخر هم چنین خوب بدارد.

معاملات خزانه شما هم بسیار خوب است و صورت حساب و دخل و خرج آن نهایت درست و منظم دیده شد پول خزینه شما بدرستی آورده و محافظه شده بکی جبه و دینار آن در امور شخصی استعمال نشده است بنابرین نشان درجه دوم استور را برای حسام الدین خان تقدیم میکنم. وهم سر کاتب خزانه را مانند سر کاتب گمرک مستحق نشان حسن خدمت میدانم و اینکه اشان را می دهم، جای خزانه را هم از جای سابقه آن بدلیل و بزرگتر خانهای ارگ نقل میدهم زیرا که این مقام علاوه برین کرست و خوب است حفاظت آن هم بیک بجز نمکن است خلاکه در جای سابقه جند بهره بکار داشت.

(باقي دارد)



می کنید بدھید و آنها کلاه خود را کج مانده استراحت کنند.

تحصیل باقیات قوماندانی کوتولی و مسئولیت آنها قاعده بر ذمہ اوست این افراد نظامی را با محمد نعیم خان نائب سالار بصورت قوت الظاهر برای قوماندان کوتولی می گذارم تامال دولت را ازانها بشدت تحصیل کشند بعد از اینکه سلسه اخذ باقیات جریان یافته و کار تحصیلی قوام و نظام درست را حاصل کرد البته که محمد نعیم خان به مرأة عسکری می خود بکاب خواهند آمد و یقین کلی دارم ازین گوشمالی که برای هیئت اداری حکومی قند هار داده ام خود آنها کارهای خود را بالذات اداره خواهند کرد و دران صورت بودن نائب سالار صاحب بقدهار ضرورت ندارد و میتوانند که بکاب بیانند. وهم چنین عسکری هم اگر خواهشمند اخذ رخصی خود باشند از قدهار خواهند آمد:

شما خواهید گفت که سابق برین جرا آن بول باقیانی را که قبل برین ملت قبولدار و بر مالیات خویش ریزش نمودند حکومت منظور کرد، می گویم که آن عین عبارت از وجودی بود که بر خود شما و دیگر افراد ملت یجارت ام از خیانت و خود غرضی کار داران و قریه داران و ملکان شان در دفتر باقی بود و تحصیل آن اسباب پریشانی وزحمت اکثری از مات محبوس را تولید میکرد — لهذا آنرا بصورت ریزش عدا از قدری و عربی شامانظور نمودم و این باقیات ایست که بر ذمہ کار داران شما بدروستی آورده و اشخاصیکه برخیان خون شما و خوردن بیول یعنی یک مال عادی شده اند می باشد و گاهی آرزو ندارم که باز کار داران و باقیات دهان را در صورتیکه خود آنها صاحب جایداد و هستی باشند بر شما بیندازم، بلکه بهر صورتیکه باشد میخواهم که این باقیات را از خانه ای مال بیت الملا و پیش یعنی مال بکیه خود را بخخته اند جمع آوری نموده تحویل خزینه نمایند.

خداد میداند که خودم عاشق بول و پیش یستم بلکه یگانه رفاه و آرامی شما را زیر نظر دارم والا اگر بول و پیش را دوست میداشتم بس ضرور باید این ریزش باقیات و قبولي شما را که حل آن طومار هارا بحضور تان پاره کردم قبول دارم شدم زیرا درین صورت هم بول می رسید وهم تکلیف من کم می شد، لکن من گاهی باید امر روا دار نمی شوم که شما باقیات اشخاصی را که خون شما و پیش بیت الملا را خوردند آنها کور میکورانه بران بھر و امضاء کرده اند

که به این روز بد مرد چار نمیشند (درینجا ذات خسروانه آن طومار طویل و عربی را بقیر و غصه پاره کرده روی میز افگند و نیم که بیک نزاکت لطیف در تجویج بود بعضی پاره های آن را از روی میز برداشته بیک صورت غیر منظم بر هواداشت) شما تجارت نیز یک بازی خورده اید که باقیات بعض اشخاص را بمحصول روانه گی خود قبولدار شده این طومار دیگری را درین موضوع مهر و دستخط کرده بحضور آورده اید و نمیدانید که این محصول از کدام کسر گرفته میشود در صورتیکه محصول روانه گی بلند مقرر شود معلوم است که مال های شما ببخ ارزان خریداری می شود و همین خساره را از حیب شما مات محبوس این تجارت چالاک پوره کرده شما را یعزیز و فلاح می اندازند. نی! من به این طومار نیز اهمیت نمیدهم و این راه اینکه بحضور تان پاره پاره نموده به نقص و خسارة ملت خود راضی نیست و ضرور همین باقیات را هم از همان اشخاصیکه بذمہ آنها باقی مانده است و کلاه خود را کج عانده میگردند می شنیدند ولا اگر همچنین باز اندازی شود و خرج یکی از دیگری تحصیل شود گمان می کنم که سالم باقیات بازی و ریزش و قبولي گاهی تمام تحصیل شد.

خرج اگر از کیسه مهجان بود  
حتم طانی شدن آسان بود

(این طومار نیز همچنان بدست مبارک شاهانه پاره شد)  
باشد ضرور همین اشخاصیکه بول مات و دولت را خوردند و باقیات ده می باشند باقیات خود را با قساط همیشه بر سانند والا همان بول قسط را از شان ده را داده اند می شنیدند و این سپاهیان هر کامرا مخصوصاً برای تحصیل این وجهه باقیات تاچندی بقدهار که خنه و جلهای شان هم درین جات میگذارم تا آن پیش را که این خانه ای مال بیت الملا و پیش یعنی مال بکیه خود را بخخته اند جمع آوری نموده تحویل خزینه نمایند.

خداد میداند که خودم عاشق بول و پیش یستم بلکه یگانه رفاه و آرامی شما را زیر نظر دارم والا اگر بول و پیش را دوست میداشتم بس ضرور باید این ریزش باقیات و قبولي شما را که حل آن طومار هارا بحضور تان پاره کردم قبول دارم شدم زیرا درین صورت هم بول می رسید وهم تکلیف من کم می شد، لکن من گاهی باید امر روا دار نمی شوم که شما باقیات اشخاصی را که خون شما و پیش بیت الملا را خوردند آنها کور میکورانه بران بھر و امضاء کرده اند

۱۲۴۳	۸۳۶۰۷	سویس
۱۱۰۹۹۹۵	۳۰۶۳۹۵۰	انگلستان
۷۷۱۱۸۳۶	۷۵۴۴۵۸	ایطالیا
۲۹۸۹	۳۶۳۵۹	ایران
۲۷۵۰۹۶	۶۴۴۰۷۷	بلژیک
۹۲۹۷۵	۳۲۱۰۱۱	بلغارستان
۱۷۵۱۰۵	۶۵۸۸۰۲	چک اسلواک
۹۱۵۹۷	۳۱۱۰۱۹	روسیه
۸۲۰۶۲۱	۷۷۲۸۰۰	رومانیا
۲۰۴۵۰	۲۸۱۲۸۱	ژاپون
۱۸۲۵۳۰۲	۲۹۴۷۲	سوریه
۴۰۳۸۶۷	۳۷۹۳۱	عراق
۶۱۹۳۱۲	۲۰۶۷۰۰۹	فرانسه
( وقت )	۰۶۴۹۰۰	هلند
	۵۱	لهستان
	۱۸۵۹۹	محارستان
۲۲۳۳۴۲	۵۸۳۲۲۰	مصر
	۰۱۳۰۵۱	هندوستان
	۶۲۸۳۲	بوگوسلاو
	۲۲۱۹۴۰	یونان

## \* تقاضا \*

از مشترکین محترم تقاضا میشود که سال (۱۳۰۴) تمام شد و بدلت اشتراك اکثر او شان ترید امید میکنیم حضرات رزودی بدلت اشتراك خود را تادیه نمایند . بعلاوه اکثر حضرات بدلت اشتراك سالهای سابق خود را از (۱۳۰۱) و (۱۳۰۲) و (۱۳۰۳) هم نرسانده اند . اینک به شدت تقاضا میشود که هر قدر بردازه شان وجه اشتراك مانده پردازند و اگر بعد ازین هم که اخبار آخرین است ، سقی در تادیه بدلت اشتراك بعمل آمد بعد دوبار یکتا بول را تحصیل میکنند ملتی و معماوت از ایشان خواسته خواهد شد و او شان قرار معامل بول را تحصیل خواهد نمود .

( شعبه مخابه امان افغان )

(در مطبوعه حروفی شرکت رفیق طبع گردید .)

مجلس به کمپانی (یونکر) المانی برای پنجاه امتیاز وساندن پوشه را از طهران الی بوشهر و آذلی و سرحد عراق به طیاره داد تا ایران را بالروپا و دیگر راه های هوائی متصل نمایند .

مجلس به اکثریت آرا حکومت را اختیار داد که در تمام مملکت تفییض و معاینه جاری شده راه هاییکه بران ریل ساخته می شود ملاحظه گردد ویرای این کار يك نفر مهندس المانی و یک نفر مهندس امریکائی تعیین شده است .

## ( روسیه )

باونیر از روی اطلاع مشهد می نویسد که از (۱۰) روز پاره چروامتس (کاغذ روس) از قیمت افتاده در اینوقت امید میبرود که نوت روسی فروخته با خریده شود . تجارت صادراتی ایران بطرف روسیه هنوز بسته است . دیروز تجارت محلی یکجا شده مسئله را مذاکره کردند و درنتیجه يك تفاهم برواست به مرکز فرستاده شده . تجارت محلی گمان می کنند که اگر يك کمپانی و یا یک نفر شخص درین دیداب ومشهد بتجاه یاصد لاری جاری کند مسئله بروزی حل خواهد شد .

## ( ایطالیه )

موسیولینی در بحث خصوصی که میخواهد در انگلستان نشر نماید به این نکته پیار اهمیت داده که اغراض و مصالح برطانیه و ایطالیه مشترک است و هردو ملت از تعاون دوستانه خویش فوائد بسیار حاصل می توانند .

## ( تجارت ترکیه )

### ( باممالک و دول علم )

اداره مکرات ترکیه احصاییه کل واردات و صادرات مملکت مذکوره را در حربیان ماه آخر ۱۹۲۵ میلادی اشاره داده که موجوب آن واردات یکمراهه ترکیه (۱۸۰۷۶۹۰۵) لیره و صادراتش (۱۲۲۱۶۵۱۵) لیره بعدم و فرار صورت ذیل می باشد :

مالک	واردات	الصادرات
آلمان	۲۰۸۹۰۱۷	۱۲۸۶۹۰۲
آمریک	۴۰۷۷۸۰۲	۹۲۴۶۹۸
اصلیش	۲۵۷۷۰۵	۱۱۵
اسپانیا	۱۱۲۶	۶۴۵۹
سود		